

فرانسه از مهد دموکراسی تا نقض حقوق بشر

عدم رعایت حقوق بشر توسط نظام های لیبرال دموکرات

بررسی وضعیت حقوق بشر در مهد دموکراسی

یاسمن

عبدلی



چکیده:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله علمی علوم انسانی

امروزه معنای حقوق بشر با آنچه که در معاهدات و تعهدات بین المللی وضع شده است، در نقاط مختلف جهان متفاوت است. گواه این مسئله، نقض جدی حقوق انسانی و بشری در بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه می باشد. این کشور که با خود نام مهد آزادی را نیز یدک می کشد، در واقع با ایجاد قوانین ضد بشری علیه مسلمانان، مهاجرین و بسیاری از شهروندان خود، وضعیت خلاف واقعی را از آنچه که مدعی است، روایت می کند. با توجه به آنچه که گفته شد، در این پژوهش ضمن مختصر تعریفی از مفهوم حقوق بشر، مصادیق نقض آن را در کشور فرانسه مورد بررسی قرار می دهیم.



مقدمه:

امروزه «حقوق بشر»، علی رغم وجود برخی نارسایی‌های مفهومی و اختلاف نظرهای مبنایی و اجرایی، که در خصوص آن وجود دارد، به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر گفتمان حقوقی و سیاسی دولت‌ها و جوامع بشری مطرح است و نادیده گرفتن آن در سطح داخلی علاوه بر ایجاد بحران‌های متعدد منجر به چالش کشیده شدن کارآمدی و مشروعیت (مقبولیت) نظام سیاسی می‌شود و در عرصه بین‌المللی نیز محدودیت‌ها و موانع متعددی را به دنبال خواهد داشت. بر این اساس، دولت‌ها برای حفظ تداوم حیات سیاسی و انجام تعهداتی که به واسطه حقوق داخلی و خصوصاً حقوق بین‌الملل پذیرفته‌اند، ملزم به رعایت حقوق بشر می‌باشند. بدیهی است اهتمام به رعایت این حقوق توسط نظام‌های لیبرال دموکرات که داعیه دفاع از حقوق اساسی تمامی انسان‌ها را دارند و مشروعیت‌شان وابسته به آرای مردم است، از اولویت بیشتری برخوردار است.

اما واقعیت مهم‌تر این است که مدعیان لیبرال دموکراسی، آن‌گونه که در عمل نشان داده‌اند نه تنها هیچ گونه پای بندی نسبت به حقوق بشر، در کشورهای جهان، بلکه در داخل کشورهای خویش نیز تا آن جا که منافع شان اقتضا کند؛ قائل نیستند. حوادث مختلف فرانسه، نمونه کوچکی از این واقعیت است و فرصت مجددی برای بررسی وضعیت حقوق بشر در مهد دموکراسی را در اختیار افکار عمومی جهان قرار داده است تا به صورتی دقیق‌تر به ماهیت نظام لیبرال دموکراسی و نارسایی‌های آن نگرسته و راه برون‌رفت از مشکلات کنونی جهان را که عموماً با این نظام فکری مرتبطاند جستجو نمایند. نوشتار حاضر درصدد بررسی این موضوع است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلان و تدوین منظم اعلامیه‌های حقوق بشر، با تاکید بر جهانی بودنشان، جدید است. سر آغاز این نظریه که هر انسان دارای حقوق معینی است و همه دولت‌ها و همه انسان‌های دیگر، مکلف به احترام و رعایت آن هستند، کمتر مرهون نفوذ و تاثیر نظریه پردازان و فلاسفه است بلکه واکنشی غریزی به یک احساس انقلابی، نشأت گرفته از اعمال سرکوب‌گرانه سیاسی، مذهبی یا اقتصادی است.

این برداشت و ایده که حقوق بشر جهانی است، اساساً احساسی از بی‌حرمتی‌های اخلاقی به انسان است نه اعتقاد راسخ فلسفی. این برداشت، منابع اخلاقی ناظر بر این اعتقاد بشری را طرح می‌کند که در پرتو آن در سطح جهانی، انسانیت بنیادینی وجود دارد و این احتمال وجود دارد که به نوع جامعه‌ای دست یابیم که در آن نیازهای اساسی بشر و آمال و آرزوهای معقول افراد انسانی به گونه موثری تحقق یابد. همداستان با جمله مشهور قاضی هولمز: ([مسایل ضروری] حیات و زندگی موجودات بشری منطقی نبوده، بلکه تجربی می‌باشند).

احتمال بر این است که مجموعه قواعد حقوقی انگلستان (۱۶۸۸)، اعلامیه استقلال آمریکا (۱۷۷۶) و اعلامیه حقوق بشر فرانسه (۱۷۸۹) آغاز اعلامیه جهانی حقوق بشر است. این اعلامیه‌ها (با وصف مشکلاتی که دارد)، بیانگر اصول شناسایی شده به عنوان بخشی از آن چیزی است که به نحو شایسته‌ای مقررات مدون حقوق بشر نامیده شده است. این اصول را پل سیقارت چنین خلاصه کرده است:

۱- اصل ذات و لزوم ذاتی جهانی: هر موجود انسانی حقوق معینی دارد، قابل تشخیص که توسط هیچ قانون‌گذاری بر او اعطا نگردیده است؛ با خریدن به دست نیامده است، بلکه به واسطه انسانیتش ذاتی او است.

۲- اصل غیر قابل انتقال [سلب] بودن: هیچ موجود انسانی نمی‌تواند از [هیچ یکی] از حقوق [ذاتی] محروم شود، از رهگذر اراده قانون‌گذار یا حتی اقدام خود! (در حکومت دموکراسی، حتی به واسطه اراده اکثریت مردم دارای حاکمیت)

۳ - حاکمیت قانون: جایی که حقوق در تعارض با همه چیز قرار گیرد، باید از طریق اعمال و اجرای بی‌طرفانه، مستقل و مستمر حقوق و مقررات عادلانه و مطابق رویه‌های درست و صحیح، حل و فصل شود. (۱)

اعلامیه جهانی حقوق بشر، در دهم دسامبر ۱۹۴۸م به تصویب عمومی سازمان ملل متحد رسید و به طور رسمی انتشار یافت. هدف نویسندگان اعلامیه این بود که اعلامیه به گونه‌ای تنظیم شود که مورد موافقت اعضای سازمان و یا حداقل اکثریت آنها قرار گیرد تا حقوق مندرج در آن، ضمانت اجرایی پیدا کند، ولی این توافق در تمام جهات، بین اعضا به وجود نیامد و از این لحاظ در مورد زمینه اجرایی آن، ملل متحد با مدارا و آهستگی با کشورها برخورد تطبیقی کرد. (۲)



اهمیت اعلامیه جهانی حقوق بشر در این است که این اعلامیه برای نخستین بار در تاریخ جهان، در زمینه حقوق و آزادی‌های اساسی بشر آن هم از طرف یکی از مهم‌ترین مقامات بین‌المللی منتشر و به عنوان آرمان مشترکی برای همه افراد شناخته شده است.

اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای یک مقدمه و سی ماده است. مقدمه اعلامیه متضمن یک سلسله مفاهیم و اندیشه‌های بنیادین است که امضا کنندگان اعلامیه، اعتماد و اعتقاد راسخ خود را به آن اعلام داشته‌اند و آن‌ها عبارتند از:

۱- وحدت اعضای خانواده بشری، حیثیت ذاتی انسانی (کرامت انسانی) و شناسایی حقوق ناشی از آن (حقوق بشر)

۲- آزادی عقیده و بیان و آزادی از ترس و فقر و به طور کلی استقلال فرد

۳- حمایت حقوق بشر از راه اجرای قانون (حاکمیت قانون)

۴- برابری حقوق انسان‌ها و برابری ملت‌ها و دولت‌ها

۵- توسعه روابط دوستانه بین ملت‌ها

نویسندگان اعلامیه، وحدت اعضای خانواده بشری (افراد بشر)، کرامت انسانی، و شناسایی حقوق ناشی از آن را اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان می‌دانند و ظهور جهانی را که در آن، افراد بشر در بیان عقیده آزاد، و از ترس فقر رها باشند، به عنوان بالاترین آمال بشری اعلام می‌کنند.

احیای حقوق شهروندی

شهروند به کسی اطلاق می‌شود که تحت حمایت حکومتی باشد و قوانین و مقررات آن حکومت را به رسمیت بشناسد و جزء جامعه‌ای محسوب گردد که دولت تمام امتیازات و حقوق آن جامعه را به تمام معنی قبول داشته باشد و در واقع دولت بخشی از آن جامعه به حساب آید. واژه شهروند را می‌توان معادل واژه غربی سی تی زن دانست.

تعاریف مختلفی هم برای حقوق شهروندی ارائه شده است و آن این که: «مجموع آزادی‌هایی که افراد یک جامعه از آن بهره‌مند هستند؛ اصطلاحاً حقوق و آزادی‌های فردی، حقوق عمومی شهروندان یا حقوق بشر و شهروند می‌نامند».

پس حقوق شهروندی در خصوص مواردی مطرح گردیده و بحث خواهد کرد که در آن موارد دولت یا حکومت ملزم است که سلطه شهروند خود را به رسمیت بشناسد و آن موارد را رعایت کند.

فهرستی از حقوق بشر یا حقوق شهروند در اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشور سازمان ملل ذکر گردیده که مهم‌ترین آنها عبارتند از: حق حیات، آزادی، مسکن، برابری، عدالت و دادخواهی عادلانه، حفاظت در مقابل سوء استفاده از قدرت، حفاظت در مقابل شکنجه، حفاظت از شرافت و غیره.

حقوق شهروندی

متعاقب انقلاب آمریکا و جمهوری فرانسه، اعلامیه‌ی استقلال آمریکا و اعلامیه‌ی حقوق بشر و شهروندان فرانسه، بحث حقوق شهروندی و حقوق بشر به طور منسجم مطرح شد، در پی جنگ جهانی دوم اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نیز اضافه گردید. بررسی این حقوق لاینفک بشری اصطلاحاتی را نیز همراه آورد. برخی از اهم و اعم این اصطلاحات بدین قرار است: آزادی: حق انتخاب نظری و عملی انسان است در همه‌ی شئون مادامی که عمل وی به سلب حقوق دیگران و اختلال در نظم عمومی و خلاف از اخلاق عمومی منجر نشود.

عقیده: مجموعه‌ی نظریات، نظرگاه‌ها، آراء و باورداشت‌ها و برداشت‌های فرد انسان از هستی، جامعه، انسان و سایر شئون است.

مذهب: مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری و عقاید انسان و جهان و مجموعه‌ای از منش‌های اخلاقی و احکام عملی است که در اختیار انسان قرار گرفته تا به سعادت ابدی نایل آید.

آزادی عقیده: آزادی عقیده و آزادی اندیشه محرز است، چرا که شارع بر عرصه‌های ناظر بر بیان و عمل، جرم تعریف می‌کند و در عرصه‌های اندیشه و عقاید، درست و نادرست مطرح است نه جرم.

آزادی بیان: آزادی عقیده محرز است، اما بیان نوعی از فعل و عمل محسوب است و برای بیان، جرم قابل تعریف است و آزادی بیان با قانون و تشریح محدود می‌شود و موارد جرم نیز طبعاً باید به طور شفاف در قانون منعکس شده باشد و در استناد بدان شبهه‌ای باقی نمانده باشد. بحث آزادی بیان غالباً به مواردی ناظر است که مورد پسند ارباب حکومت‌ها واقع نمی‌شود، از جمله‌ی دیگر موارد آن نیز می‌توان عفت عمومی یا اضرار به غیر را به حساب آورد. پس محدوده‌ی آن را قانون تعیین می‌کند، خواه این قانون موضوعه باشد، خواه کامن‌لا، و در موارد سکوت نیز وجدان هیأت منصفه یا استنباط حقوقدانان شرط است، نه تشخیص قدرت‌مداران یا پنداشت قاضی بی‌استناد به منابع قانونی.



پرفسور هوهی فیلد تعریفی از حقوق شهروندی یا حقوق بشر به شرح زیر به عمل آورده است:

۱- به معنای دقیق کلمه چیزی است که فرد با داشتن تکلیف در قبال دیگری مستحق آن است.

۲- شخص به خاطر مصئونیت از قانون مستحق آن است.

۳- امتیاز

۴- قدرت با هدف ایجاد رابطه‌ی حقوقی

حقوق طبیعی، حقوق شهروندی، روح قانون

حقوق طبیعی از دیر زمان در اذهان جای گرفته و فکر بشر را مشغول خویش داشته است. سقراط خداوند را واضع حقوق طبیعی دانسته است. برخی آن را همیشگی و همه جایی می‌دانند و بر آن عقیده‌اند که انسان باید بکوشد تا آن را کشف کند، اجتماع و اراده‌ی انسان هم در ساختن آن اثری ندارد. برخی نیز معتقدند که حقوق طبیعی مجموعه‌ای از مقررات نیست تا قابل تدوین باشد بلکه یک اصل الهام بخش است و قانون‌گذار سعی در تکمیل آن می‌نماید. پس مجموعه‌ای از قواعد یا ماده‌های قانونی که ناظر بر حقوق طبیعی بشر باشد، جامع حقوق شهروندی نیست بلکه به یک معنا روح قانون است و شناخت روح قانون کاری بس دشوار است. عناصر حقوق شهروندی ناظر به حقوق مطلق، منجز، حال، دائم، ثابت و عینی بشر است و هیچ‌یک از افراد بشر در معدلت حاکمه از این حیث بر دیگری برتری ندارد. به بیان کلی‌تر حقوق شهروندی به منزله‌ی روح قانون است نه چند ماده‌ی جداگانه‌ی موضوعه‌ی قانون.

ویژگیهای حقوق شهروندی

الف ° جهانی است، زیرا حق مسلم هر عضو خانواده‌ی بشری است و هر فرد بشر در هر کجا که باشد و از هر نژاد، زبان، جنس، یا دین که باشد، مستحق آن است و کسی مجبور به کسب این حقوق نیست و این حقوق مسلم است.

ب ° غیر قابل انتقال است و از بشر قابل انفکاک نیست چرا که بدون آن نمی‌توان فرد را بشر نامید.

پ ° تقسیم پذیر نیست. نمی‌توان به خاطر تشخیص در «کم اهمیت بودن» یا «عدم ضرورت»، آن را از کسی سلب کرد.

ت ° عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگر است و متمم و مکمل سایر است.

ث ° هدیه‌ی الهی است و هیچ مقام بشری از جمله حکومت یا مقامات مذهبی یا سکولار این حقوق را اعطا نمی‌کنند.

ج ° حقوق ذاتی و فطری انسان‌ها است و از آن‌ها به صفات شخصیتی انسان تعبیر می‌شود و به هیچ قرارداد و وصفی

وابسته نیست.

جهانشمولی حقوق شهروندی

پیش از این که اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر به طور رسمی از سوی مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۴۸ پذیرفته شود، انجمن مردم شناسی آمریکا هشدار داد که از این اعلامیه به عنوان «بیان حقوق ارزش‌های رایج در اروپای غربی و آمریکا» تعبیر شود. آن‌ها براین باور بودند که آنچه در یک جامعه حقوق بشر محسوب می‌شود ممکن است در جامعه‌ای دیگر امری ضد اجتماعی تلقی شود زیرا به نظر ایشان معیارها و ارزش‌ها به نسبت فرهنگی که از آن سرچشمه می‌گیرد متفاوت است.

از سوی دیگر در شرق نیز بحث در گرفت و در جهانشمولی حقوق بشر تشکیک شد. ایشان ویژگی‌های ملی، منطقه‌ای، سوابق تاریخی فرهنگی و مذهبی را بیشتر مورد توجه قرار دادند. اگرچه ایشان پذیرفتند که برخی از موارد حقوق بشر جهانی است، ادعا کردند برخی موارد نیز هست که ریشه در غرب و آزادی فردی دارد و لزوماً نمی‌تواند ارزش‌های آسیایی را منعکس کند، نیز استدلال کردند که اعلامیه‌ی جهانی بدون حضور آنها تدوین شده پس نمی‌توان آن را جهانشمول دانست. این دیدگاه در اعلامیه‌ی بانکوک نیز منعکس شد. نمایندگان دولت‌های آسیایی در ماده‌ی ۸ اعلامیه‌ی بانکوک پذیرفتند که «از آنجا که حقوق بشر ماهیتاً جهانی و جهانشمول است باید با توجه به ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و سوابق گوناگون تاریخی، فرهنگی و دینی در زمینه‌ی فرایندی پویا و متحول از مجموعه‌ی قواعد بین‌المللی مورد توجه قرار داد.

باید توجه داشت که اکثر دولت‌های عضو سازمان ملل اگر چه در تهیه‌ی پیش نویس اعلامیه‌ی جهانی حضور نداشتند، آن را تأیید کرده‌اند و موضع طرفداران نسبی‌گرایی مبهم و متعارض می‌نمایند بدین معنا که از سویی حقوق جهانی بشر را به طور کلی پذیرفتند و از سوی دیگر مشروعیت استفسار متفاوت را از آن قائل شدند. (۳)

نوع نگاه غرب به حقوق بشر

باید توجه داشت مسائل حقوق بشر ابعاد مختلفی دارد که نه همه مردم در کشورهای غربی بلکه دولت‌ها به عنوان یک ابزار سیاسی به این موضوع نگاه می‌کنند؛ به عبارت بهتر به عنوان یک اهرم فشار برای باج‌خواهی سیاسی از آن استفاده می‌کنند.

بررسی موضوع حقوق بشر توسط غرب و ورود به این موضوع در مورد کشورهای مختلف نشان دهنده این است که در مقطعی که منافع آنها اقتضاء کند به بررسی حقوق بشر در هیچ کشوری حتی به شکل قطعنامه نمی‌پردازند، اما در شرایطی که منافع آنها مدنظر باشد به این موضوع به عنوان یک ابزار سیاسی نگاه می‌کنند.



بحث حقوق بشر اگرچه با اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد توجه جدی قرار می‌گیرد اما در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف مورد توجه جدی بوده است. از منظر نوع نگاه غرب به حقوق بشر باید توجه داشت در بهترین حالت در مورد غرب شاید بتوان گفت حقوق شهروندی برای آن‌ها مهم است. چرا که برای غرب این‌که شهروندی از خاورمیانه مورد یک ظلم قرار بگیرد یا این‌که شهروندی غربی مورد ظلم قرار بگیرد تفاوت وجود دارد. (۴)

حتی با معیارهایی که غرب در خصوص نقض حقوق بشر در برخی کشورها از جمله ایران مطرح می‌کند، برخی متحدان و دوستان غرب مستثنی می‌شوند. در برخی کشورها که اصول اولیه و بنیادین حقوق بشر نقض می‌شود نه تنها هیچ قطعنامه‌ای گزارنده نمی‌شود بلکه همواره مورد لطف غرب نیز هستند. نوع نگاه حقوق بشری غرب در مجموع نگاهی صادقانه نبوده و علاوه بر اشکالات ماهوی حتی با همان معیارهای غربی حقوق بشری نیز "مصادیق" نقض حقوق بشر یکسان نیستند و برخورد و استانداردهای دوگانه بر این نگاه حاکم است.

فرانسه و شکل‌گیری اعلامیه جهانی حقوق بشر

حقوق بشر مفهومی جدید و برخاسته از شرایط عصر مدرن است و از مبانی و لوازم لیبرال دموکراسی به شمار می‌رود. در میان کشورهای غربی که با این نظام فکری اداره می‌شوند؛ کشور فرانسه به عنوان مهد آزادی و دموکراسی نقش بسزایی در شکل‌گیری اعلامیه جهانی حقوق بشر داشته است. از دیدگاه بسیاری از پژوهشگران، چند عامل و مقطع مهم تاریخی در شکل‌گیری این اعلامیه نقش داشته‌اند.

اول: دوره روشنفکری فرانسه که متفکرانی نظیر دالابر، دیدرو، ولتر، کالون و در رأس آن‌ها منتسکیو و روسو، گفتمان حقوق بشری را پایه‌گذاری کردند.

دوم: انقلاب آمریکا، اعلامیه استقلال آن (۱۷۷۶) و مفاهیمی که تحت تأثیر آن در زمینه حقوق بشر شکل گرفت.

سوم: دوران انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) که با شعار برابری، برادری و آزادی برای همه شهروندان، صرف نظر از تفاوت‌های قومی، نژادی و طبقاتی، جنسی و مذهبی همراه بود و قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر و شهروندی بر محور این اصول به تصویب رسید.

چهارم: وحشی‌گری‌ها و شقاوت‌های نازیسم و فاشیسم در جنگ جهانی دوم نسبت به افراد بی‌گناه، انگیزه توجه به شخصیت و حیثیت انسانی، و باعث توسعه حمایت بین‌المللی از حقوق بشر گردید.

بدین سبب بود که تدوین کنندگان منشور ملل متحد، مقررات حقوق بشر را در منشور گنجاندند و سرانجام در اجلاس سال ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل که در پاریس تشکیل شد، اعلامیه جهانی حقوق بشر به تصویب رسید. از آن تاریخ به بعد نیز معاهدات متعددی در این زمینه به امضا رسیده است. (۵)

و فرانسه، یکی از کشورهایی است که همواره سایر کشورها را حتی با دلایل واهی به نقض حقوق بشر متهم نموده است.

وضعیت حقوق بشر در فرانسه

مجموعه عواملی که بیان گردید سبب می‌شود که فرانسه به عنوان مهد آزادی و دموکراسی غربی و یکی از بانیان اصلی اعلامیه جهانی حقوق بشر، در اجرا و رعایت اصول این اعلامیه اهتمام ویژه‌ای داشته باشد. به علاوه، فرانسه یکی از اعضای سازمان ملل متحد است که منشور ملل متحد را پذیرفته است و بر اساس مواد متعدد آن از جمله ماده دو میثاق حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها متعهد شده‌اند که حقوق شناخته شده در میثاق را درباره افراد مقیم قلمرو یا تابع حاکمیتشان بدون تبعیض محترم شمرده و تضمین نمایند. اما آن گونه که واقعیات نشان می‌دهد مهم‌ترین اصول حقوق بشر به شکل گسترده‌ای در این کشور نقض می‌شود. از جمله:

۱- نقض آزادی

آزادی، یکی از اصول محوری حقوق بشر است که در اصول متعدد اعلامیه جهانی حقوق بشر بر ضرورت رعایت آن تأکید شده است.

بر اساس ماده ۱۸ اعلامیه: «هر کس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان و نیز شامل تمایلات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هر کسی می‌تواند از این حقوق، منفرداً یا مجتمعاً، به طور خصوصی یا به طور عمومی، برخوردار باشد» و همچنین در ماده ۱۹ اعلامیه مزبور مقرر می‌دارد: «هر کس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود، بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد» و همچنین بر اساس ماده دوم قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه، فرانسه کشوری غیر مذهبی است ولی در عین حال به تمام اعتقادات دینی، متساویاً احترام می‌گذارد. اما واقعیات موجود در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که:



۱-۱ در جامعه فرانسه، افرادی، نظیر روزه گارودی، نویسنده و محقق فرانسوی، تنها به دلیل ترویج اندیشه و نوشتن کتابی تاریخی و طرح واقعیاتی مستند درباره صهیونیسم بین‌الملل و انکار هولوکاست مورد محاکمه قرار می‌گیرند. هنوز هم در برخی کشورها مانند فرانسه، انکار کشتار یهودیان جرم تلقی می‌شود.

۲-۱ فرانسه با حدود شش میلیون مسلمان از جمله کشورهای اروپایی است که به دلیل پیشینه تاریخی، بیشترین شمار مسلمانان را در خود جای داده است و مسلمانان، ۱۰ درصد کل جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. اما دولت پاریس به بهانه دفاع از ارزش‌های سکولار خود، مسلمانان این کشور را از آزادی‌های فردی و اجتماعی محروم کرده است و با به اجرا گذاشتن قانون منع حجاب از تحصیل دختران محجبه در مدارس و دانشگاه‌ها ممانعت به عمل آورده است. مسلمانان مقیم فرانسه با جنبش‌های اسلامی در الجزایر و فلسطین اظهار همبستگی می‌کنند و دولت فرانسه هر نوع همبستگی مسلمانان با این جنبش‌ها را با فشار سیاسی و تبلیغاتی و زندانی کردن رهبران آنان سرکوب می‌کند. (۶)

۳-۱ اقلیت‌های دینی، همچون مسلمانان و اقلیت‌های قومی و نژادی همچون عرب تبارها و سیاه پوستان به رسمیت شناخته نمی‌شوند و نه تنها از کرسی پارلمان و دیگر نهادهای تصمیم‌گیری محروم هستند بلکه هدف خشونت‌های نژادپرستانه و افراطی قرار می‌گیرند و حتی علناً توسط مقامات عالی رتبه دولتی این کشور از طریق رسانه‌های عمومی تحقیر می‌شوند. این گروه‌های بزرگ اجتماعی تا حدی به حاشیه رانده شده‌اند که هیچ حزب و گروه و جناح سیاسی در فرانسه، آن‌ها را نمایندگی نمی‌کند و از حمایت هیچ نیروی سیاسی و روشنفکری بزرگی حتی چپ‌گرایان فرانسوی نیز برخوردار نیستند.

۲- تبعیض نژادی و مذهبی

یکی دیگر از اصول محوری حقوق بشر، مبارزه با هر نوع تبعیض میان انسان‌هاست؛ بر اساس ماده دو اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس می‌تواند بی هیچ‌گونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و هم چنین منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر؛ از تمام حقوق و همه آزادی‌های ذکر شده در این اعلامیه بهره‌مند گردد. به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد». همچنین در ماده هفت این اعلامیه می‌خوانیم: «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی هیچ تبعیضی از حمایت یکسان قانون برخوردار شوند.

همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر ضد هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، از حمایت یکسان قانون بهره‌مند گردند». به علاوه فرانسه قوانین متعدد و دیرپایی درباره مبارزه با نژادپرستی و تبعیض نژادی و مذهبی دارد. هر چند واقعیت‌ها و عملکرد مقامات آن خلاف این قوانین را ثابت کرده است.

الف) تبعیض نژادی

۱-۲ به اعتقاد کارشناسان و تحلیل‌گران سیاسی، دیدگاه تبعیض‌آمیز فرانسه به سیاه‌پوستان این کشور سابقه‌ای طولانی دارد و این رویکرد که در وضعیت تأسفاتر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... این قشر مظلوم از جامعه فرانسه نمایان است، ریشه در سیاست استعماری فرانسه در الجزایر، مراکش، تونس، هند و چین و سرزمین‌های دیگری که پیش‌تر قلمروی استعمار فرانسوی‌ها محسوب می‌شده‌اند، دارد. از دیدگاه روانشناختی اجتماعی، سلطه استعماری بر ملت‌های جهان سوم موجب نگرش تحقیرآمیز به ملت‌های تحت سلطه شده است و پدیده شوم تبعیض نژادی حاصل چنین نگرشی است. بر این اساس علیرغم پایان دوران استعمار کهنه، هنوز غربی‌ها با دیده متکبرانه به ملت‌های جهان سوم و در حال توسعه می‌نگرند و همین امر سبب شده است که مسلمانان، اعراب و مهاجران آفریقایی تبار فرانسه، مورد بدترین نوع تبعیض نژادی واقع شوند و از حقوق فردی و اجتماعی مسلم‌خویش محروم باشند.

۲-۲ تبعیض نژادی بر علیه «شهروندان فرانسوی آفریقایی تبار» به ویژه در زمینه ارائه خدمات بهداشتی و درمانی و کار و آموزش، کاملاً مشهود است. مقایسه‌ای سطحی میان وضعیت معیشتی سفیدپوستان و سیاه‌پوستان نشان می‌دهد که فرانسویان نژادپرست همچنان هموطنان سیاه‌پوست خود را به چشم بردگان می‌نگرند.

سیاه‌پوستان محروم حومه پاریس که ده‌ها سال است، تلاش می‌کنند تا وضع معیشتی خود را بهبود بخشند، متأسفانه برای اشتغال و اقامت در پاریس با یک سلسله موانع عدیده روبرو می‌شوند، زیرا دولت فرانسه آنان را شهروندان درجه دو به شمار می‌آورد. فرانسه که ادعا می‌کند مهد دموکراسی در جهان است، اشتغال سیاه‌پوستان را به جز در حومه پاریس منع می‌کند و این قشر از جامعه تنها به فعالیت‌های فرو دستی مشغول هستند. سارکوزی - رییس جمهور وقت کشور فرانسه - معتقد است که اشخاص بی‌کار و گرفتار بحران اقتصادی نباید اساساً در بازار کار و منابع آموزشی، فرهنگی و اجتماعی فرانسه پذیرفته شوند.



در این خصوص، یک تحلیلگر مسائل سیاسی در پاریس می‌گوید: «۱۰ درصد از نیروهای فعال فرانسه بی‌کارند و در همین حال در میان آفریقایی‌تبارها و عرب‌تبارها که اغلب حاشیه‌نشین شهرهای بزرگ هستند بی‌کاری به بیش از ۵۰ درصد می‌رسد». یک مطالعه موردی نشان می‌دهد که از یک صد درخواست شغلی که یک فرانسوی سفیدپوست ارسال می‌کند به طور متوسط ۷۵ دعوت‌نامه مصاحبه دریافت می‌کند، در حالی که فردی با نام‌های اسلامی و عربی تنها ۱۴ دعوت‌نامه دریافت خواهد کرد. در فرانسه، روزبه روز، جوانان حاشیه شهرهای بزرگ ناامیدتر می‌شوند، بیکاری و فقر رو به افزایش است و فشار سیاست‌های دولت راست‌گرای فرانسه در جهت کاهش مالیات از ثروت‌ها و سرمایه‌های بزرگ عملاً بر لایه‌های کم درآمد وارد می‌شود.

۳-۲ بدرفتاری پلیس فرانسه با شهروندان فرانسوی آفریقایی تبار یا خاورمیانه‌ای، یکی از بزرگ‌ترین معضلات جامعه این کشور است. در گزارش سازمان عفو بین الملل مربوط به سال ۲۰۰۴ آمده است که بدرفتاری پلیس فرانسه با اقلیت‌های قومی مذهبی این کشور نسبت به سال قبل، بیست برابر افزایش داشته است. علاوه بر این باید توجه داشت که اقدامات تبعیض آمیزی علیه اقلیت‌های پایین جامعه فرانسه اعمال می‌شود، مثلاً حتی افراد تحصیل کرده و دارای مدرک دانشگاهی نیز به خاطر نام و یا مذهبشان موفق به یافتن کار نمی‌شوند و یا این که پلیس، افراد عرب‌تبار و یا سیاه‌پوست را مرتب در مترو بازرسی و کنترل می‌کند ولی به دیگران کاری ندارد. قیام سیاهان در اوایل هزاره جدید در شهر سینسیناتی، نشأت گرفته از ضرب و شتم فردی بنام رادنی کینگ نبود بلکه این مسئله، ریشه‌ای عمیق در تبعیض‌هایی سابقه‌دار داشته است و ضرب و شتم یک رنگین پوست در خیابان در مقابل دوربین‌های رسانه‌ها، فقط محرکی برای این قیام، بوده است.

۴-۲ در چند سال اخیر در گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری از جمله عفو بین الملل، نام فرانسه در لیست کشورهای قرار دارد که قتل‌های غیرقانونی در آن جا به وقوع پیوسته است و بازداشت شدگان مورد شکنجه و سوء رفتار واقع شده‌اند.

کمیسیون حقوق بشر شورای اروپا، پس از یک بازدید شانزده روزه از زندان‌ها، بیمارستان‌های روانی، بازداشتگاه‌ها و... در فرانسه، از اوضاع اماکن نام برده ابراز نارضایتی کرد. تعداد زیاد زندانیان و کمبود امکانات، از جمله موارد نارضایتی او بودند. او از وضع بد زندان بومت یاد کرد و بازداشتگاه کاخ دادگستری پاریس را وحشتناک خواند.

ب) تبعیض مذهبی

۲-۵ کشور فرانسه دارای جمعیتی بیش از ۶۰ میلیون نفر است که از نظر مذهبی ۸۳ تا ۸۸ درصد از آن‌ها کاتولیک، ۸ تا ۱۰ درصد مسلمان، ۲ درصد پروتستان، ۱ درصد یهودی و ۴ درصد هم متفرقه‌اند. مسلمانان با جمعیتی قریب ده درصد، از نظر مذهبی بعد از کاتولیک‌ها، دومین مذهب فرانسه به شمار می‌آیند؛ اما با این حال هیچ نماینده‌ای در ارکان اصلی قدرت، حتی در پارلمان این کشور ندارند. در حالی که یهودیان، که تنها یک درصد جامعه را تشکیل می‌دهند، دارای نفوذ و قدرتی فراگیر در تصمیمات کلان سیاسی در فرانسه هستند.

۲-۶ دولتمردان فرانسوی، با تبلیغات گسترده، مسلمانان این کشور را مورد تحقیر و توهین قرار داده و شدیدترین محدودیت‌ها را برای آنان اعمال نموده‌اند و با تبلیغ خطر اسلام‌گرایی توسط رسانه‌های فرانسوی، ممنوع کردن نشریات اسلامی، ممنوعیت احکام اسلامی خصوصاً حجاب، معادل قرار دادن اسلام با افراطی‌گری، گسترش حملات نژادپرستانه علیه مسلمانان و... دست به یک تبعیض مذهبی وسیع علیه مسلمانان زده‌اند. در این کشور، دانش‌آموزان یهودی با عرق چین و دانش‌آموزان مسیحی با صلیب به مدرسه می‌روند؛ اما دختران مسلمان باحجاب را از مدرسه اخراج می‌نمایند. تنها استدلال وزیر فرهنگ آلمان در رد درخواست «لادن» - معلم محجبه مسلمان - این بود که: «مدارس ما به موازات آموزش دانش‌آموزان، پرورش هم می‌بینند، از آن جا که وجود یک معلم زن مسلمان باحجاب، با تعالیم اساسی مسیحیت در تضاد است، نمی‌توانیم در مدارسمان پذیرای مسلمانان باحجاب باشیم. ما می‌خواهیم فرزندانمان را بر اساس فرهنگ مسیحیت تربیت کنیم» (۷)





۷-۲ پلیس نژادپرست فرانسه، مساجد مسلمانان را مورد هتک قرار می‌دهد و گاز اشک آور به درون آن پرتاب می‌کند، در حالی که اگر چنین اقدامی در مورد کلیسا انجام شود بلافاصله وزیر کشور، خود را به محل می‌رساند و مستقیماً از پیروان این ادیان عذرخواهی می‌کند؛ اما نسبت به هتک حرمت اماکن مذهبی مسلمانان، تبعیض‌آمیز برخورد می‌شود. این در حالی است که مسلمانان فرانسه هرگز با سکولاریسم مخالفت نکرده‌اند.

و حتی وقتی هزاران دختر و زن مسلمان، علیه ممنوعیت حجاب به تظاهرات پرداختند با سر کردن روسری‌هایی که پرچم فرانسه بود عملاً نشان دادند که به عنوان یک فرانسوی می‌خواهند در رفتار و اعمال دینی آزاد باشند.

نتیجه‌گیری

حقوق بشر مفهومی جدید و برخاسته از شرایط عصر مدرن است و از مبانی و لوازم لیبرال دموکراسی به شمار می‌رود. در میان کشورهایی که با این نظام فکری اداره می‌شوند؛ کشور فرانسه به عنوان مهد آزادی و دموکراسی نقش بسزایی در شکل‌گیری اعلامیه جهانی حقوق بشر داشته است، اما متأسفانه بررسی وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فرانسه حکایت از آن دارد که در این کشور نقض آشکار موازین انسانی و حقوق بشر به شکل گسترده و فزاینده صورت می‌گیرد. این در حالی است که دولت فرانسه که از مدعیان به اصطلاح حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در جهان به شمار می‌رود، هر از گاهی در حرکتی نمایشی اقدام به انتشار گزارش‌های حقوق بشری علیه کشورهای مختلف می‌کند.

منابع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱- شریفی، حسین، حقوق بشر در پرتو تحولات بین‌المللی، ۱۳۷۷، نشر دادگستر

۲- طباطبایی، منوچهر، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ۱۳۸۲، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم

۳- <http://www.haghgostar.ir/ShowPost.aspx?ID=۱۶۳>

۴- <http://www.mehrnews.com/news/>

۵- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی، ۱۳۹۱، انتشارات کتابخانه گنج دانش

۶- ریشه‌های ناآرامی در فرانسه، روزنامه کیهان، دوشنبه ۲۳ آبان ۱۳۸۴

۷- حسینی، منصوره، ۱۳۸۱، مسئله حجاب در اروپای غربی، ترجمه داوود وفایی، نشریه غرب در آینه فرهنگ